

How the Portuguese invaded Yemen; Reasons and Consequences (912-936 AH)

Ali Gholami Firoozjahi¹ , Mohsen Bahramnejad² 

1. PhD in Islamic History, University of Islamic Studies, Tehran, Iran. Email: gh.firoozjahi@yahoo.com

2. Associate Professor of History, Department of History, Faculty of Literature and Humanities, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran. Email: bahramnejad@hum.ikiu.ac.ir

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received 20 October 2024

Received in revised form
20 December 2024

Accepted 6 January 2025

Available online 25 March
2025

Keywords:

Yemen,
India,
Tahirids,
Portuguese colonialists

ABSTRACT

Yemen's political life faced a new challenge with the arrival of Portuguese sailors to its coastal waters, similar to countries such as India, Egypt, and Iran in the 10th century AH. In fact, Portuguese merchants viewed Yemen as a naval fortress in order to gain access to new sea routes and take control of Muslim trading centers and monopolize the Indian spice trade. The present study, using the historical research method and using the descriptive-analytical method and citing authentic historical sources and new reliable research, seeks to get acquainted with one of the hidden dimensions of Yemen's history, and seeks to answer the question of what were the stages of the Portuguese presence in this land and what consequences did it bring? The findings of the research show that the Portuguese targeted Yemen in their attacks in order to eliminate the economic and political influence of Muslims, secure their trade routes, and spread Christianity in the first half of the 10th century AH. The most important consequences of this event were the creation of numerous economic and commercial problems for Yemeni Muslims and merchants, the spread of political chaos, and ultimately the weakening and collapse of the Taheri government.

Cite this article: Gholami Firoozjahi, A., Bahramnejad, M. (2025). How the Portuguese invaded Yemen; Reasons and Consequences (912-936 AH). *Historical Studies of the Islamic World*, 13 (36), 84-110. <https://doi.org/10.22034/mte.2024.16280.1727>



© The Author(s).

Publisher: Al-Mustafa International University.

DOI: <https://doi.org/10.22034/mte.2024.16280.1727>

چگونگی حمله پرتغالی‌ها به یمن؛ دلایل و پیامدها (۹۱۲-۹۳۶ق)

علی غلامی فیروزجایی[✉]، و محسن بهرام نژاد^۲

۱. دانش آموخته دکتری تاریخ اسلام، دانشگاه مذاهب اسلامی، تهران، ایران.

رایانامه: gh.firozjain@yahoo.com

۲. دانشیار تاریخ، گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران.

رایانامه: bahramnejad@hum.ikiu.ac.ir

چکیده

اطلاعات مقاله

حیات سیاسی یمن با ورود دریانوردان پرتغالی به آب‌های ساحلی آن همانند کشورهای دیگر هند، مصر و ایران در سده دهم هجری با چالش جدیدی روبرو شد. در واقع سوداگران پرتغالی برای دستیابی به راه‌های دریایی جدید و در اختیار گرفتن مراکز بازرگانی مسلمانان و همچنین انحصار تجارت ادویه هند به سرزمین یمن همچون یک دژ دریایی می‌نگریستند. تحقیق حاضر با روش تاریخ‌پژوهی و با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی و با استناد به منابع اصیل تاریخی و پژوهش‌های معتبر جدید، در جستجوی آشنایی با یکی از ابعاد پنهان تاریخ یمن بوده، و در صدد پاسخ‌گویی به این پرسش است که مراحل حضور پرتغالی‌ها در این سرزمین چگونه بوده و چه پیامدهایی را به همراه داشته است؟ یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که پرتغالی‌ها، برای از بین بردن نفوذ اقتصادی و سیاسی مسلمانان، تأمین امنیت راه‌های تجاری خود و همچنین گسترش مسیحیت در نیمه اول قرن دهم هجری، یمن را هدف حملات خود قرار دادند. ایجاد مشکلات اقتصادی و تجاری فراوان برای مسلمانان و تاجران یمنی، گسترش هرج و مرج سیاسی و در انتها تضعیف و سقوط دولت طاهریان از مهم‌ترین پیامدهای این رویداد است.

نوع مقاله: علمی - پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۲۱

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۴/۲۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۰۳

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۱۰/۰۵

کلیدواژه‌ها:

یمن،
هند،

طاهریان،

استعمارگران پرتغالی.

استناد: غلامی فیروزجایی، علی؛ و بهرام نژاد، محسن (۱۴۰۴). چگونگی حمله پرتغالی‌ها به یمن؛ دلایل و پیامدها. *مطالعات تاریخی*

<https://doi.org/10.22034/mte.2024.16280.1727> .۸۴-۱۱۰، (۳۶) ۱۳، *جهان اسلام*،



© نویسندگان.

ناشر: جامعة المصطفی العالمیة.

مقدمه

یمن از سرزمین‌های مهم جهان و با موقعیت استراتژیک و ژئوپولیتیک است که از قدیمی‌ترین دوران تاریخ بشری تاکنون همواره مورد توجه و طمع زیاد اقوام و دولت‌های همجوار و غیر همجوار بوده است. این منطقه، با در اختیار داشتن بنادر، سواحل و جزایر تجاری مهمی همچون عدن، مخا، شحر و حدیده، سُقَطْری،^۱ کَمَران^۲ و همچنین تنگه سوق الجیشی و مهم باب‌المنذب همیشه در معرض رقابت و کشمکش‌های اقتصادی، سیاسی و نظامی قرار داشت. در قرن دهم هجری نیز سرزمین یمن به همراه دیگر مناطق سواحل خلیج فارس، مهم‌ترین راه‌های ارتباطی و تجاری بین شرق و غرب به‌شمار می‌آمد، به‌همین دلیل غربی‌ها از جمله پرتغالی‌ها^۳ در مسافرت‌ها و روابط تجاری خود با این مناطق، از آبراه‌ها و راه‌های زمینی آن استفاده می‌کردند. در آن دوره، سرزمین یمن و حاکمان وقت آن به مانند طاهریان شاهد وقایع مختلفی در حوزه سیاست و مناسبات خارجی بودند. حضور دولت‌های متعددی همچون عثمانی‌ها، ممالیک مصر و مهم‌تر از همه کشور استمارگر پرتغال که در طمع تسلط بر شاهراه‌های اصلی تجارت دریایی یعنی بندر عدن، مخا و مکلا پا به این عرصه گذاشت و نیز در جستجوی راهی برای چیرگی و نزدیکی بر سرزمین‌های اسلامی مکه و مدینه بودند باید از مهم‌ترین وقایع تاریخ آن ناحیه در نظر داشت. پژوهش پیش‌رو در جستجوی این پرسش است که چرا و چگونه پرتغالی‌ها در سال‌های (۹۳۶-۹۱۲ق) به سرزمین یمن یورش آورده و چه پیامدهایی را به همراه داشته است؟ پرسش مذکور این فرض را تقویت ساخت که پرتغالی‌ها با شناخت دقیقی که از جغرافیای مناطق جنوبی شبه جزیره عربستان و حوزه‌های آبی دریای سرخ، اقیانوس هند و دریای عمان داشتند تسلط همه جانبه و تثبیت امنیت اقتصادی خود در مسیر راه‌های آبی که از باب‌المنذب تا خلیج فارس گسترده بود، حضور و نفوذ در یمن می‌دیدند. از این رو، از همان آغازین اکتشافات دریایی خود در

۱. Soqothare: سُقَطْری جزیره بزرگی بود که چندین شهر و روستا داشت که برخی از ساکنان آن نیز مسیحی بودند. (ر.ک: حموی، ۱۹۹۵: ۲۲۷/۳) ابن ماجد گزارش کاملی از اوضاع سیاسی این جزیره در دوره بنوطاهر ارائه داده و گفته است: «در زمان ما محمد بن علی بن عمرو بن عَفْراد و بنی عبدالنبی سلیمانی حمیری مشایخ مهره بر اهالی آن حکومت می‌کردند و از مردان یک من روغن و از زنان دستاری از بافته‌های شهرشان را می‌گرفتند» (ر.ک: ابن ماجد، احمد، نسخه خطی: برگ ۷۹).

۲. کَمَران، جزیره کوچکی به وسعت ۱۰ یا ۱۲ مایل بود که در قرن دهم هجری، ۲۰۰ خانواده مسلمان نیز در آن ساکن بودند (ر.ک: فارتما، ۱۹۹۴: ۶۶).

آن نواحی تلاش کردند تا به این هدف مهم دست یابند. رویدادی که سرزمین یمن را در مسیر تغییرات جدیدی قرار داد.

۲. پیشینه تحقیق

درباره پیشینه این پژوهش باید گفت، با توجه به اهمیت یمن در دوره اسلامی و به‌طور خاص در قرن دهم هجری که همزمان با ظهور پدیده استعمار بود پژوهشی منسجم و مستقل، از سوی محققان فارسی زبان انجام نگرفته است. چنانکه به زبان عربی تنها دو مقاله، یکی به‌وسیله صالح رمضان به نام «الغزو البرتغالی الیمن و دور الشعب الیمنی فی مواجهته»، و دیگری توسط محمد علی موسی با عنوان «الهجوم البرتغالی علی عدن: قراءه من خلال مذاکرات الفونسو دا البوکوک» انتشار یافته است. در ایران نیز محمدباقر وثوقی به زبان فارسی در نگاهی عمومی در کتابی به نام «پرتغالی‌ها در خلیج فارس» را مورد بررسی قرار داده است. هیچ کدام از این نویسندگان در آثار مزبور، نه تنها به صورتی مستقل و همه جانبه دلایل و نتایج هجوم و حضور پرتغالی‌ها در یمن را روشمندانه برپایه منابع و اسناد اصیل مورد بررسی جدی قرار ندادند، بلکه سطحی‌نگری آنان در این خصوص سبب شده تا نتواند علاقه‌مندان به این نوع مباحث را به شناخت دقیق‌تر حقایق تاریخی رهنمون سازد.

۳. نگاهی کوتاه به اوضاع سیاسی یمن در عصر طاهریان (حک. ۸۵۸-۹۴۵ق)

طاهریان در شهر جَبِن^۱ و منطقه رَداع^۲ ساکن بودند (ابن دبیع، ۱۹۸۳: ۱۲۱؛ فیصلی، ۲۰۰۵: ۱۲) این خاندان، در اواخر دولت رسولیان (۶۲۵-۸۵۸ق) به جایگاه رفیعی رسیده و رابطه خویشاوندی نیز با پادشاهان رسولیان برقرار کردند (ابن دبیع، ۱۹۸۸: ۳۹۶). تاریخ رسمی دولت طاهریان از سال ۸۵۸ ق با حرکت مجاهد علی بن طاهر بن معوضه (۸۵۸-۸۸۳ق) و برادرش ظافر عامر بن طاهر (۸۵۸-۸۷۰ق) آغاز شد. (همان: ۴۰۵-۴۰۶، ابن دبیع، ۱۹۸۳: ۱۲۱)

۱. جَبِن: شهری مشهور در جنوب غربی رَداع و از مراکز سلاطین طاهری بوده است. این شهر مرقد عالمانی همچون قاضی عمر بن محمد جنبی و برادرش، از مشایخ بزرگ دوره ملک مجاهد و ملک ظافر اول بود (ر.ک: بامخرمه، ۱۴۲۸ق: ۱/ ۱۸۹).

۲. رَداع: شهری مشهور در جنوب شرقی صنعاء که به عنوان یکی از مراکز مهم یمن در عصر طاهری بوده است. در آن مساجد بسیاری از دوره ملک ظافر عامر بن عبدالوهاب موجود است (ر.ک: حجری یمانی، ۱۴۱۶ق: ۱/ ۳۶۰).

علیرغم سهم برابر و یکسان این دو برادر در تأسیس حکومت، ملک ظافر عامر دوم برادر کوچک‌تر، بنا به خواسته مجاهد، اولین پادشاه طاهری گردید (ابن دیبع، ۱۹۸۳: ۱۲۷؛ یحیی بن الحسین، ۱۹۶۸: ۵۸۹)، تا اینکه بعد از کشته شدن عامر در سال ۸۷۰ ق، ملک مجاهد به تنهایی حکومت را به دست گرفت (ابن دیبع، ۱۹۸۸: ۴۱۵؛ بامخرمه، ۱۴۲۸ ق: ۶ / ۴۶۰-۴۶۲). او به دلیل بیماری‌ای که داشت در سال ۸۷۷ ق زمام حکومت را به برادرزاده خود، ملک عبدالوهاب بن داود ملقب به منصور، سپرد؛ ولیکن وی مدتی بعد سلامتی‌اش را باز یافت و تا زمان وفاتش بر یمن حکومت نمود (ابن دیبع، ۱۹۸۸: ۴۱۸؛ ابن دیبع، ۱۹۸۳: ۱۴۱). ملک منصور (۸۸۳-۸۹۴ ق) بعد از مرگ مجاهد، حکومتش را با حرکت به سمت عدن آغاز کرد (ابن دیبع، ۱۹۸۸: ۴۲۳). بعد از مرگ ملک منصور نیز فرزندش ملک عامر بن عبدالوهاب (ظافر دوم) حکومت را بر عهده گرفت. وی بزرگ‌ترین پادشاه دولت طاهری محسوب می‌شود که حکومتش (۸۹۴-۹۲۳ ق) از دیگر حاکمان طاهری بیشتر بود. چنانکه دولت طاهریان در زمان حکومت ملک ظافر دوم به نهایت گستردگی‌اش رسید. ولی ظافر عامر دوم با پایانی تلخ روبرو شد و در سال ۹۲۳ ق، توسط سربازان ممالیک مصر که برای مقابله با استعمارگران پرتغال به سمت هند راهی بودند، در دروازه‌های شهر صنعاء کشته شد (ابن لطف الله، ۲۰۰۳: ۴۵؛ ابن شیبان، ۲۰۰۲: ۱۶۶). بعد از او عده‌ای از پادشاهان ضعیف حکومت را در دست گرفتند و آخرین آنان نیز عامر بن داود بود که در سال ۹۴۵ ق به دست خادم سلیمان پاشا، فرمانده لشکر سلطان سلیمان قانونی (۹۲۶-۹۷۳ ق) کشته شد (ابن المفضل، برگ ۴۸؛ النهروالی، ۱۹۶۷: ۸۰؛ ایفانوف، ۱۹۸۸: ۱۳۱؛ یحیی بن الحسین، ۱۹۶۸: ۶۳۹). بدین ترتیب دولت طاهریان که بعد از مرگ ملک ظافر عامر دوم افولش آغاز شده بود به‌طور رسمی در سال ۹۴۵ ق به پایان رسید.

۴. آغاز کشورگشایی استعمارگران پرتغالی

پرتغالی‌ها در نزد اعراب و در منابع کهن با نام جلالقه شناخته می‌شدند. مردم پرتغال در همسایگی اعراب مسلمان در اندلس، رشد یافته و با حفظ اصل و سرشت اجتماعی و دینی خود، با مسلمانان آشنا شدند، تا اینکه در سال ۷۱۱ ق/۱۳۱۱ م و در زمان ظهور جان اول^۱ با انگلیس پیمان بستند (موسی، ۱۴۲۷: ۱۲۰) و بعدها از خانواده جان اول، هنری دریانورد،^۲ که شخصیتی کاملاً دینی و نمونه بارز یک سرباز صلیبی بود، طلایه‌دار حرکت‌های اکتشافی در پرتغال ظاهر شد

1. John I

2. Henry the Navigator

و پاپ نیکلای پنجم^۱ و سپس پاپ کالیستیکوس سوم^۲ نیز به شدت از فعالیت‌های اکتشافی او حمایت کرده و او را به بزرگ‌ترین سرباز مسیح و مروج دین عسیی ملقب و متفخر ساختند (همانجا؛ وثوقی، ۱۳۹۰: ۱۹). هنری دریانورد برای هماهنگی بیشتر میان فعالیت اشراف و بازرگانان بسیار تلاش می‌کرد و آرزوی او جمع‌آوری ثروت از راه کشاورزی، تجارت و کنترل راه‌های تجاری بود. وی می‌خواست فعالیت خود را با درخواست مردمان سرزمین‌اش و اروپای مسیحی با استفاده از رهنمودهای سازمان مذهبی که در سال ۱۴۲۰م رئیس اعظم آن شده بود وفق دهد (بارتو، ۱۳۶۹: ۷). بنابراین در ابتدای امر مشخص است که به‌نوعی این فتوحات و حرکت به سمت شرق، با هدف گسترش مسیحیت و ادامه جنگ‌های صلیبی دوران ایوبیان آغاز شد. طی سال‌های ۸۸۶-۹۰۱ ق / ۱۴۸۱-۱۴۹۵م و در دوره یوحنا دوم، پرتغال از فعالیت‌های جهانگردان و ماجراجویان در شناخت اوضاع سرزمین مسلمانان به‌ویژه بنادر دریای سرخ و اقیانوس هند استفاده کردند. پدرو داکوفیلهام^۳ (۱۴۸۷-۱۵۲۵م) و آلفونسو دی پایفا^۴ مشهورترین این جهانگردان بودند که گزارش‌های آنان موجب طمع و توجه پرتغالی‌ها به شرق شد (سال، ۱۹۹۹: ۶۳-۶۴). همچنین لودوفیکو دی فارتیما^۵ (۱۵۰۸-۱۵۰۳م) جهانگرد ایتالیایی نیز در قرن دهم هجری از یمن دیدن کرد و در نوشته‌های خود اطلاعاتی از عدن و حکومت وقت یعنی طاهریان ارائه نمود (فارتیما، ۱۹۹۴: ۸۰؛ رمضان، ۱۹۸۵: ۹۱-۹۲). بنابراین باید گفت، فعالیت‌های جهانگردان و ماجراجویان مذکور، اطلاعات با ارزشی از جهان اسلام به پرتغال انتقال داد. همانند مجموعه نقشه‌هایی از اقیانوس هند و مسیرهای دریانوردی آن و بادهای فصلی و موسمی که در کار دریانوردی اطراف آب‌های یمن، هند و سرزمین‌های اسلامی بسیار تأثیر گذار بودند (رمضان، ۱۹۸۵: ۹۱). در اطلاعات فوق، از شهرها و کشورهای سواحل عربی متصل به اقیانوس هند از جمله بندر عدن و تنگه هرمز به‌عنوان مهم‌ترین مناطق آن ذکر شده بود (همان، ۹۱؛ سال، ۱۹۹۹: ۶۳-۶۵). این اطلاعات، دشواری و سختی رسیدن به هند از طریق راه‌های قدیمی را که از کشورهای اسلامی می‌گذشت برای پرتغالی‌ها آسان می‌نمود. به-

1. Nicholas V

2. Callixtus III

3. Pedro Dacofilham

4. Alfonso de payfa

5. Ludvicuo Vartouamus

همین دلیل در سال ۸۹۱ ق/ ۱۴۸۶م به فرماندهی بارتولومو دیاز^۱ و همچنین بعدها به وسیله واسکودوگاما^۲ از سمت جنوب و از طریق سواحل غربی آفریقا برای ترویج مسیحیت، اما با هدف تسلط و سیطره بر تجارت و راه‌های تجاری-دریایی و آبراه‌های مهم و تصاحب آن از دست مسلمانان سواحل جنوبی آفریقا را دور زدند تا اینکه به بالاترین نقطه جنوبی آن یعنی دماغه امیدنیک رسیدند (Uzunçarşılı, 1983: 2/391-393؛ اسدی، ۱۳۸۱: ۵۹؛ Johnston, 1963: 32; Axelson, 1961, 147).

این کشف دریایی زمینه‌های مناسبی را برای ایجاد مستعمرات پرتغالی در مشرق زمین فراهم آورد، و بعداً نیز اعتبار زیادی برای آن دولت ایجاد کرد. چنانکه از آن زمان به بعد، پادشاهان پرتغال خود را «خدوند فتح و کشتیرانی و تجارت هندوستان، حبشه، عربستان و ایران» می‌نامیدند و پاپ، رهبر مسیحیان جهان نیز این لقب را برای آنان مورد تصویب و تأیید قرار داده بود (ویلسن، ۱۳۶۶: ۱۲۴). بنابراین می‌توان گفت رسیدن پرتغالی‌ها به دماغه امید نیک و انتخاب آن به عنوان راهی برای انتقال ادویه‌جات شبه قاره هند، دو پیامد و نتیجه مهم در پی داشت: نخست اینکه ورود آنان موجب تغییر قواعد و توازن قوای سیاسی در منطقه شد و دوم، حضور آنان، ضربه‌ای سنگین بر کسانی وارد کرد که اقیانوس و مناطق دریایی شرق اسلامی، شریان اصلی اقتصادشان را تشکیل می‌داد. تلاش‌های پرتغالی‌ها از دماغه امید نیک برای ادامه فتوحات ادامه یافت. چنانچه واسکودوگاما توانست در سال ۹۰۳ ق/ ۱۴۹۷م به راهنمایی دریانورد مسلمان یعنی شهاب‌الدین احمد بن ماجد نجدی وارد سرزمین هند شد (موسوی قمی، ۱۳۶۶: ۷۰؛ بابایی، ۱۳۷۵: ۷۸۲؛ سالم، ۱۹۹۹: ۶۶؛ مازنی، ۲۰۰۸: ۳۹) وی در کالیکوت (قالیقوت)^۳ مهم‌ترین بندر هند در آن زمان توقف کرد. حاکم آن یعنی ساموری با او مقابله کرد. اما او با کمک دریانوردان عرب از اختلافات موجود میان حاکمان سرزمین‌های هند برای تثبیت و تحکیم موقعیت خود در منطقه استفاده کرد. لذا مراکز تجاری مختلفی ایجاد و از طریق آن با سرزمین‌های متعددی روابط

4. Bartolomeu Dias

بیژن اسدی در کتاب «خلیج فارس و مسائل آن» معتقد است که قبل از واسکودوگوما، دریانورد پرتغالی دیگری به نام بارتولومو دیاز از دماغه امیدنیک عبور کرده بود ولی ظاهراً متوجه این راه دریایی جدید نشده است. به همین دلیل واسکودوگوما را کاشف این دماغه می‌دانند (ک: اسدی، ۱۳۸۱: ۵۹-۶۰).

5. Vasco da Gama

1. Calicut

اقتصادی برقرار کرد (سال، ۱۹۹۹: ۶۵-۶۷؛ سلمان، ۱۴۲۰ ق: ۴۷-۵۰) و به تعبیر لرد کرزن^۱ برای پرتغالی‌ها قرنی سرشار از شهرت و ثروت را رقم زد (شهبازی، ۱۳۷۷: ۳۶-۳۶).

۵. چگونگی حمله پرتغالی‌ها به یمن (۹۱۲-۹۳۶ ق)

معروف‌ترین حملات پرتغالی‌ها به هند در سال ۹۰۹ ق/ ۱۵۰۳ م به فرماندهی آلفونسو آلبوکرک^۲ (۱۴۵۳-۱۵۱۵ م) اتفاق افتاد (عبدالعال، ۱۹۸۰: ۴۸۶). باید گفت فتح هند توسط آلبوکرک، راه‌های دریانوردی مناطق شبه جزیره عربستان از جمله یمن را مورد تهدید قرار داد. چنانکه او در سال ۹۱۲ ق/ ۱۵۰۶ م و در دوران حکومت ملک ظافر عامر دوم، جزیره سُقُطری (سقوطره) را برای ایجاد پایگاهی جهت حرکت کشتی‌های خودی و همچنین تکمیل سلطه‌اش بر ورودی دریای سرخ و بستن راه بر کاروان‌های تجاری خلیج عدن اشغال کرد (همانجا).

نتایج این حمله و عواید حاصل از آن پرتغالی‌ها را بسیار شگفت زده کرد. به همین دلیل آنها تنها به کشف راه دریایی به سوی هند و انجام فعالیت‌های اقتصادی بسنده نکردند، بلکه بر آن شدند تا تجارت شرق را کاملاً بدست بگیرند و منابع اصلی آن را در اختیار خود قرار دهند (سال، ۱۹۹۹: ۶۶؛ سلمان، ۱۴۲۰: ۵۱-۵۳). یعنی پایه‌گذاری اولین حکومت استعماری اروپایی در شرق. در نتیجه پادشاه پرتغال در سال ۹۱۵ ق/ ۱۵۰۹ م آلفونسو آلبوکرک را به عنوان نایب خود در هند تعیین کرد (موسی، ۱۴۲۷: ۱۲۶). او نیز به اجرای سیاست‌های توسعه طلبانه خاص خود در هند، یمن و اقیانوس هند و جزایر آن پرداخت و طی سال‌های ۹۲۱-۹۱۵ ق/ ۱۵۰۹-۱۵۱۵ م نفوذ بر سواحل ملیبار و تصرف خطوط دریایی و بندرها و جزایری همچون عدن، سقطری و کمران را بار دیگر از سر گرفت (شَنبَل، ۲۰۰۳: ۲۱۶-۲۵۵). در این زمان سرزمین‌های جنوبی شبه جزیره عربستان از جمله حکومت طاهریان یمن به خطر پرتغالی‌ها پی بردند. منابع و آثار تاریخی وجود این خطر را در دریای هند رصد کرده‌اند چنانچه این دوران را دوره وقوع خسران بر مسلمانان مناطق یمن، حجاز، هند و هرمز نام نهاده‌اند (همانجا).

وضعیت نامتعادل سیاسی حکومت‌های گوناگون حوزه اقیانوس هند و خلیج فارس زمینه مناسبی را برای حضور و نقش آفرینی پرتغالی‌ها مهیا کرد (Boxer, 1969: 41). چنانکه در

2. Lord Curzon

3. Alfonso de Albuquerque

این زمان ملک ظافر عامر دوم، حاکم یمن، درگیر جنگ با نیروهای داخلی از جمله ائمه زیدیه بود، و همچنین شاید فکر نمی کرد که ظهور این قدرت جدید در اقیانوس هند اهمیت زیادی داشته باشد. اما در نتیجه اقداماتی که پرتغالی‌ها در قبال کشتی‌های تجاری اسلامی و راه‌های دریایی هند و سواحل دریای سرخ و اقیانوس هند انجام دادند ملک ظافر عامر دوم تصمیماتی برای توقف این اقدامات اتخاذ کرد که به شرح زیر است:

۱. وی از قانصوه غوری (۸۵۰-۹۲۲ق / ۱۴۴۶-۱۵۱۶م) سلطان مملوکی مصر درخواست همکاری کرد. اما هنگامی که کمک مالی مصر به تأخیر افتاد دولت طاهریان به مقابله با پرتغالی‌ها پرداخت و ملک ظافر، ملت خود را به جهاد علیه پرتغالی‌ها بسیج کرد. ابن دبیح مورخ عصر طاهری، به تدارک و تجهیز این حمله اشاره کرده، مبنی بر اینکه اهالی عدن در مکاتبه با ملک ظافر او را از خطری که تجارت آنها را تهدید می کرد، آگاه کردند. ملک ظافر نیز دستور تدارک حمله نظامی را صادر و حتی علما و طلاب دینی را نیز علیه پرتغال بسیج کرد. چنانکه فقیه اسماعیل جردانی و شیخ عثمانی العمودی و گروهی از طالبان علم بر امور حمله نظارت می کردند (ابن دبیح، ۱۹۸۳: ۳۰۱؛ عبدالعال، ۱۹۸۰: ۹۱؛ سالم، ۱۹۹۹: ۷۵). اما مورخ اصلی این خبر، یعنی ابن دبیح و همچنین منابع تاریخی دیگر به ماهیت این حمله، نتایج و بیان چگونگی تدارک و تجهیز آن اشاره‌ای نکرده‌اند. بنابراین می توان علت این موضوع را اینگونه تفسیر کرد که حمله مذکور در مسیر خود هیچ ناوگان پرتغالی را نیافته و بدون برخورد و نتیجه‌ای به عدن بازگشتند.

۲. همان طوری که در تاریخ مشهور است بعد از سقوط خلافت عباسی و بغداد در سال ۶۵۶ ق / ۱۲۵۸م، ممالیک مصر با پناه‌دادن به آخرین خلیفه عباسی در مصر، خود را به‌عنوان مسئول و نگهبان امت اسلامی معرفی کردند (ر.ک: ابن تغری بردی، [بی تا]: ۷/ ۱۰۴-۹۸؛ سیوطی، ۱۹۹۲: ۵۱۵-۵۱۴). به‌گونه‌ای که نقش آنان در زندگی سیاسی سرزمین‌های اسلامی از این دوران افزایش یافت و در تمام این مدت روابط ممالیک مصر با ملک ظافر دوم به دوستی و تبادل سفرا و هدایا بین دو طرف شهره شده بود. چنانکه فرستاده سلطان جانبلاط مملوکی برای ملک ظافر هدایای گرانبه‌ای همچون فانوس بلوری به اندازه قامت دو انسان، شمشیرهای بزرگ و اشیای نفیسی به زبید آورد (ابن دبیح، ۱۹۸۳: ۲۶۱؛ عیدروس، ۲۰۰۱: ۷۵). اما این روابط می‌بایست منجر به اتحاد علیه خطر پرتغالی‌ها شود و دولت ممالیک مصر دست یاری به سوی دولت طاهریان دراز می‌کرد، تا حرکت‌های تجاری خود از طریق دریای سرخ و بنادر آن را حفظ کرده و از دین و تجارتشان حمایت کنند. بنابراین سلطان قانصوه غوری نیز بعد از مواجه با ناوگان و

کشتی‌های تجاری پرتغالی، به بهانه حمایت از جهان اسلام در برابر خطرات مسیحیان، خود را برای دفاع مهیا کرد. او چند کشتی جنگی مجهز به جدیدترین سلاح‌های گرم به فرماندهی حسین کردی، از بندر سوئز به سمت بندر جدّه حرکت و به عدن فرستاد (ابن ایاس، ۱۹۶۰: ۲/۸۴). بر اساس اطلاعات تاریخی منابع عصر طاهری، برخورد میان او و کارگزاران دولت وقت دوستانه بود (همان، ۳۰۵؛ یحیی بن الحسین، ۱۹۶۸: ۶۳۶) که به نظر می‌رسد این نوع برخورد براساس دستورات دولت مملوکی در مصر شکل گرفته است، چرا که هدف آنها در این مرحله ابتدایی، نگهداری مسیرهای تجاری دریایی از طریق کشورهای اسلامی و حفظ روابط موجود با قدرت‌های سیاسی مشرف بر راه‌های دریایی در این خطوط بود. چنانکه ابن دبیع و بامخرّمه نیز نحوه برخورد و رفتار حسین کردی با مرجان ظافری حاکم عدن را این‌چنین توصیف کرده‌اند: «فلما قرب من مدینه عدن، أنزل سنبوفاً فیهِ قاصد من قبله، الی الامیر مرجان الظافری، یستأذنه فی الدخول الی حُقَات، فأذن له. فدخل فی غایه ما یکون من الادب» (ابن دبیع، ۱۹۸۳: ۳۰۵؛ بامخرّمه، ۱۴۲۸: ۶/۵۶۲).^۱ با این وجود، بامخرّمه به این مسئله اشاره می‌کند که علی‌رغم فضای مثبت و دوستانه بین مرجان ظافری و حسین کردی و تجهیز و تأمین مایحتاج کشتی‌های اعزامی، دو طرف خواستند در این میان میزان قدرت و عظمتشان را به یکدیگر نشان بدهند (همانجا). چنانکه حسین کردی از طرف خود به اهالی عدن اعلام کرد که آنها در امان خدا و در پناه سلطان قانصوه غوری هستند، و از طرفی نیز مرجان ظافری قدرت لشکر و تعداد ابزار و وسایل جنگی خود را آشکار کرد (ابن دبیع، ۱۹۸۳: ۳۰۵). بنابراین می‌توان دریافت رفتار فرستاده مملوکی بر اعلام تحت‌الحمايه بودن یمن توسط ممالیک مصر بسیار مغرورانه بود، و در مقابل نیز حاکم طاهری می‌خواست میزان قدرت خود و بی‌نیازی نسبت به این حمایت را نشان دهد.

پس از این ملاقات، کشتی‌های ممالیک مصر از عدن به سوی هند حرکت کردند و در سال ۹۱۳ ق/۱۵۰۷م، به هند رسیدند (بافقیه، ۱۴۱۹: ۸۲). در این زمان، حاکمان مسلمان سرزمین‌های هندی به آنها گرویدند و متفقین توانستند پرتغالی‌ها را شکست داده و در شوال همان سال، فرمانده آنها لورنسو^۲ را نیز به قتل برسانند (عبدالعال، ۱۹۸۰: ۹۷؛ سالم، ۱۹۹۹: ۶۲). اما این پیروزی به دلیل تأخیر در ارسال نیروهای کمکی از طرف سلطان مملوکی، برای آنها پیامد تلخی را به دنبال آورد. به طوری که پرتغالی‌ها در هند، نیروهای خودشان را سازماندهی کرده و توانستند با

۱. ترجمه: «هنگامی که به نزدیکی شهر عدن رسید وارد قایقی شد که در آن قاصدی قبل از وی نزد امیر مرجان ظافری فرستاد و از او برای ورود به حقات اجازه خواست، پس او را پذیرفت. و سپس به رسم ادب وارد شد».

یک حمله گسترده به فرماندهی فرانسیسکو دوآلمیدا^۱ در شهر دیو^۲، ناوگان مملوکی را در هم شکسته و حسین کردی را مجبور به عقب نشینی از هند کنند (حسن سعید، ۱۹۸۹: ۱۶۵).

با شکست ممالیک مصر و یاران و حامیان آنها، پرتغالی‌ها به مرحله جدیدی در نبردشان با مسلمانان وارد شدند. آنها پس از اشغال جزیره سُقُطری یمن در سال ۹۱۳ ق/ ۱۵۰۷ نفوذ خود را از هند تا سواحل آب‌های مناطق اسلامی گسترش داده، و حضور خود را با بیش از ۵۰ کشتی جنگی تثبیت و تحکیم کرده و به‌وسیله آنها به سیطره کشتی‌های اسلامی بر تجارت دریایی پایان دادند (همان: ۱۶۴). در همان سال آلبوکرک که طراح و مجری نخستین تجاوز نظامی به خلیج فارس و سواحل یمن (وثوقی، ۱۳۹۰: ۲۳) بود بندر سُقُطری را پایگاهی برای اهداف توسعه طلبانه کشور پرتغال در سواحل خلیج فارس، دریای عرب و سرخ قرار داد. و همچنین به عنوان یک مسیحی متعصب در آرزوی تسلط بر سرزمین‌های مقدس حجاز با هدف نبش قبر مبارک نبی اکرم (ص) بسیار تلاش می‌کرد (ابن شیبان، ۲۰۰۲: ۶۶-۶۷؛ بافقیه، ۱۴۱۹: ۸۲؛ اسدی، ۱۳۸۱: ۶۱؛ موسوی قمی، ۱۳۶۶: ۷۲).

آلبوکرک بعد از مشورت با فرماندهان و مشاوران خود در بندر گوا (در هندوستان)، خود را برای حمله و تصرف یمن و تنگه‌های دریای سرخ از جمله باب‌المنندب آماده کرد (آلبوکرک، ۲۰۰۰: ۳/ ۴۴۵). این لشکرکشی در مسیر خود به یمن و بندر عدن با مشکلات فراوانی مواجه شد که مهم‌ترین آن تطابق نداشتن وزش بادهای موسمی و فصلی با مسیر و جهت حمله بود (همان: ۴۴۹). اما پس از گذشت چند روز کشتی‌های جنگی در شرق عدن و در منطقه‌ای بین جزیره کانی‌کای و رشته‌کوه‌های دارسینا/ دارزیننه ظاهر شد (همان: ۴۵۰). عدنی‌ها، ناوگان‌های پرتغالی‌ها را از بالای ارتفاعات رشته‌کوه‌های دارسینا، سه روز قبل از رسیدن آنان به بندر زیر نظر داشتند (همان: ۴۶۹). می‌توان گفت این موضوع به وجود سازمان نظارت و کنترل بر سواحل یمنی نیز دلالت دارد که ناشی از همکاری بین ساکنان مناطق و دولت بود؛ و همین امر آمادگی عدنی‌ها برای مقابله با هجوم پرتغالی‌ها را تسریع بخشید. انتقال سریع اخبار آمدن پرتغالی‌ها به عدن که باعث شد تا حاکم عدن و نیروها و فرماندهان، قلعه‌های خود را برای دفاع از شهرشان آماده کنند؛ و نیز خالی کردن محموله کشتی‌های لنگر انداخته در بندر، قبل از آن که به‌دست پرتغالی‌ها بیفتند از اهم این همکاری و تعامل میان مردم و حکومت بود.

2. Francisco de Almeida

3. Diu

پرتغالی‌ها بعد از رسیدن به سواحل یمن، تلاش بسیاری برای ورود به بندر شرقی عدن کردند اما ناوگان طاهری مانع رفتن پرتغالی‌ها به آنجا شد (همان: ۴۵۱؛ ابن دیبع، ۱۹۸۳: ۳۴۵). در خصوص نقش و حضور دولت وقت یعنی طاهریان، منابع و بارزترین آنها یعنی ابن دبیع به موقعیت ملک ظافر و اینکه او در زمان شروع حمله پرتغالی‌ها کجا بوده است، اشاره نمی‌کنند. او تنها گزارش می‌دهد که ملک ظافر در یکی از مساجد زیید مشغول عبادت، دعا و لعن و نفرین فرستادن بر پرتغالی‌ها بود و لشکری نیز برای کمک به اهالی عدن اعزام کرد (ابن دیبع، ۱۹۸۳: ۳۴۵). در ادامه، پرتغالی‌ها به بمباران شهر پرداختند تا اهالی آن را از اقدامات دفاعی و آمادگی برای مقابله منحرف کنند (بامخرمه، ۱۴۲۸: ۶ / ۵۶۷). اما مرجان ظافری حاکم شهر تلاش کرد از فرصت استفاده کند. بنابراین برای ایجاد تأخیر در حمله پرتغالی‌ها، با آنان به مکاتبه پرداخت. و یکی از تاجران هندی حاضر در شهر عدن را برای جویا شدن هدف و خواسته پرتغالی‌ها نزد آنها فرستاد. وی نیز با خبر حمله پرتغالی‌ها بازگشت (آلبوکرکه، ۲۰۰۰: ۳ / ۴۵۲). اما مرجان ظافری با امید به اینکه برقراری روابط سیاسی جای جنگ بین دو طرف را بگیرد این مکاتبات را متوقف نکرد. لذا هدایایی برای آلبوکرکه فرستاد و او را از مایحتاج غذایی همچون گوشت گوسفند، مرغ و میوه تأمین کرد، و سپس نامه‌ای برای او فرستاد که به تبعیت و پیروی خود از پادشاه پرتغال اشارت داشت (همانجا). اما می‌توان گفت همه آن مکاتبات و هدایا صرفاً تلاشی در جهت دور کردن پرتغالی‌ها از شهر بوده است. ولی این گفتگوها و مذاکرات متوقف نشد، بلکه مرجان ظافری آخرین اقدام خود را در برقراری دیداری بین طرفین در ساحل عدن اتخاذ کرد، ولی آلبوکرکه آن پیشنهاد را رد کرده و مکان این ملاقات را در داخل شهر عدن پیشنهاد داد (همان: ۴۵۳-۴۵۲). شاید با این نیت که از این موقعیت در فتح شهر استفاده کرده و با حیل و فریب وارد آن شود. زمانی که نتیجه‌ای از این روابط حاصل نشد پرتغالی‌ها برخورد نظامی را انتخاب کردند. بنابراین ابتدا قایق‌هایی به نام بارج^۱، مستقر در ساحل بندر عدن را تسخیر کردند (بامخرمه، ۱۴۲۸: ۶ / ۵۶۷؛ آلبوکرکه، ۲۰۰۰: ۳ / ۴۵۳). آلبوکرکه در ادامه به دلیل طول زیاد دیوار شهر عدن و کمبود نردبان‌ها برای بالا رفتن از آن، بر روی نقطه مشخصی از دیوار برای تصرف آن تمرکز کرد (آلبوکرکه، ۲۰۰۰: ۳ / ۴۵۳). در این حمله آنان با نردبان به بالای کوهی که قلعه خضراء در آن واقع شده بود صعود کردند. ولی اهالی عدن توانستند با پرتاپ سنگ از بالای کوه آنها را دفع کنند (بامخرمه، ۱۴۲۸: ۶ / ۵۶۷). اما در نبردی معروف به سور، شاهد فتح گذرگاه‌های

۱. بارج یا بارجه یکی از کشتی‌های بزرگ جنگی با اصل هندی بود (ر.ک: الرفاعی، ۱۳۹۳: ۱۹۲).

کوهستانی توسط پرتغالی‌ها و شتافتن مردم عدن به مسدود کردن و بستن آن با خاک و سنگ و گیاهانی چون روناس^۱ می‌باشیم، چنانکه شکسته‌شدن نردبان‌ها منجر به عقب‌نشینی پرتغالی‌ها شد (بامخرمه، ۲۰۰۸: ۶ / ۵۶۷؛ آلبوکرکه، ۲۰۰۰: ۳ / ۴۶۲). اما عوامل دیگری چون ارتفاع مد دریا و شروع بادهای موسمی و فصلی نیز در عقب‌نشینی پرتغالی‌ها سهیم بود (همان: ۴۶۷-۴۶۸). ناوگان پرتغالی پس از شکست در عدن به سمت بندرهای یمنی چون مخاء و بقعه حرکت کرد، ولی آنها نتوانستند در آنجا فرود بیابند. زیرا ملک ظافر عامر دوم نیروهای خود را برای مقابله با آنها آماده کرده بود (بامخرمه، ۱۴۲۸: ۶ / ۵۶۸؛ ابن دبیع، ۱۹۸۳: ۳۴۵). به‌همین دلیل به-طرف جزیره کمران حرکت کردند که ملک ظافر در آنجا نیز نیرویی نظامی به فرماندهی شریف محمد بن عبدالعزیز بن سفیان و عبدالله بن احمد تجهیز کرده تا در برابر پرتغالی‌ها مبارزه و مقاومت کنند؛ اما در این مکان شرایط بر وفق مراد نیروهای یمنی نبود به گونه‌ای که منابع به کشته‌شدن شریف بن سفیان و نیروهای او اشاره دارند و گزارش می‌دهند که پرتغالی‌ها توانستند تا نیمه جمادی الأول سال ۹۱۹ ق/ ۱۵۱۳ م در جزیره اقامت کنند (ابن دبیع، ۱۹۸۳: ۳۴۵). شواهد تاریخی دلالت بر آن دارد که در طول آن مدت، دولت طاهری هیچ اقدام مؤثری برای اخراج پرتغالی‌ها از جزیره انجام نداد. و همین این مسئله کینه و دشمنی اهالی یمن را نسبت به ملک ظاهر عامر دوم برانگیخت، و ضعف و ناتوانی حکومت طاهریان را آشکار ساخت.

سرانجام نیروهای پرتغالی بعد از گذشت مدت زمانی، از جزیره کمران خارج شدند. به‌نظر می‌رسد که خروج پرتغالی‌ها از این جزیره بنا بر دلایلی غیر از مقاومت یمنی‌ها برای بازپس‌گیری جزیره بود. به‌طوری که شهاب، خروج آنان را به موسم بادهای شمالی و تصمیم‌گیری پرتغالی‌ها برای حرکت کشتی‌هایشان به سمت هند مرتبط می‌داند (شهاب، ۱۴۱۲: ۴۰). در صورتی که حسین ابراهیم دلایل خروج را تدارک و تجهیز ممالیک مصر به فرماندهی حسین کردی برای حمله به نیروهای پرتغالی ذکر می‌کند (حسن سعید، ۱۹۸۹: ۱۶۵). با این وجود، تعدادی از

۱. روناس از مهم‌ترین مواد خامی بود که در رنگرزی مورد استفاده قرار می‌گرفت و در طی دوره‌های مختلف جزء کالاهای صادراتی مهم به حساب می‌آمد؛ به‌همین دلیل سود زیادی برای کشاورزان و دولت فراهم می‌آورد و در نقاط مختلف یمن نیز کشت می‌شد. حاکمان یمن به بزرگان هند همچون قضات و خطباء روناس هدیه می‌دادند. چنانکه هند از وارد کنندگان بزرگ روناس بود. صادرات این گیاه تا سال‌های بعد از نیمه قرن ۱۷ میلادی از بندر عدن و بنادر دیگر یمن انجام می‌شد. این گیاه در رأس محصولات بود که درآمد اقتصادی داشت. به علت درآمد زیاد حاصل از فروش آن، ثروتمندان، بزرگان، فقها، زنان و حتی خدمتکاران و بردگان نیز به کاشت آن شوق داشتند (ر.ک: ارتفاع الدوله المویديه، ۲۰۰۸: ۲؛ نورالمعارف، ۲۰۰۳: ۱ / ۵۱۶؛ ابن مجاور، ۱۹۹۶: ۲۰۳).

ناوگان پرتغالی پس از خروج از جزیره کمران، به سمت عدن بازگشتند و در ۱۸ جمادی الأول همان سال آن را محاصره کردند (ابن دیبع، ۱۹۸۳: ۳۴۷). اما در این زمان و با تأخیر ناوگان پرتغال در دریای سرخ این فرصت را به مرجان ظافری داد تا دژهای شهر را بازسازی و دیوار جدیدی به همراه چندین برج پیرامون جزیره صیره برای دفاع از آن بنا کند. چنانکه این اقدام سریع نیروهای یمنی باعث غافلگیری پرتغالی‌ها شد (آلبوکرکه، ۲۰۰۰: ۳/۴۵۴-۵۰۴). با این وجود، نیروهای آلبوکرکه توانستند صیره را اشغال کرده و از آنجا شهر را با شلیک گلوله‌های آتشین فتح کنند. باید گفت این آخرین تلاش آنان برای حفظ عظمت و آبروی خودشان، پس از شکست در اشغال عدن بود. سرانجام آلبوکرکه در اول جمادی الآخر سال ۹۱۹ ق/ ۱۵۱۵م از عدن عقب نشینی کرد (همان، ۵۰۶-۵۰۹؛ ابن دیبع، ۱۹۸۳: ۳۴۷؛ ابن دیبع، ۱۹۸۸: ۴۵۸؛ سالم، ۱۹۹۹: ۸۸-۹۰). از همان سال تا صفر ۹۲۳ ق/ ۱۵۱۷م پرتغالی‌ها حمله‌ای به یمن نداشتند، تا اینکه دولت طاهری در آن سال، بعد از آن که ملک ظافر از سوی ممالیک مصر به قتل رسید، دچار هرج و مرج سیاسی و روی کار آمدن حاکمان ضعیف شد. پرتغالی‌ها نیز به فرماندهی لوبو سوارس^۱ در صفر سال ۹۲۳ ق/ ۱۵۱۷م به عدن حمله کردند (بامخرمه، ۱۴۲۸: ۶/۵۸۴-۵۸۵؛ بافقیه، ۱۴۱۹: ۱۳۳). با این حال، آنان در این حمله رویکرد صلح جویانه‌ای را در برابر عدن اتخاذ نمودند، به گونه‌ای که هدفشان را کمک به اهالی عدن در برابر ممالیک مصر اعلام داشتند. مرجان ظافری نیز برای کمک به آنان و پیشگیری از وقوع حادثه، گروهی از ناخدایان را برای کمک برای آنها فرستاد (همانجا؛ یحیی بن الحسین، ۱۹۶۸: ۶۵۸). در واقع پرتغالی‌ها از شکست‌های قبلی خود دریافتند که دستیابی به بندر عدن از طریق نظامی با هزینه‌های سنگینی مواجه است، لذا با تغییر روش و از طریق کمک و دوستی وارد عمل شدند. چنانکه امیر مرجان نیز با توجه به خسارت‌های ناشی از حمله ممالیک مصر به عدن لازم دید تا تکبر و خودخواهی سوارس را تحمل کند و او را به دیپلماسی آرامی وادار کند که شهر را از مواجهه با خطر آنان دور نگه دارد. سوارس نیز به سمت بنادر دیگر سواحل یمن پیش رفت. او در خلال توقفش در جزیره کمران و در انتظار بادهای موسمی، بسیاری از کشتی‌ها و سربازان خود را نیز از دست داد (بافقیه، ۱۴۱۹: ۱۳۳؛ شهاب، ۱۴۱۲: ۴۴). امیر مرجان ظافری هنگام بازگشت پرتغالی‌ها به عدن، قلعه‌ها و دیوارهای شهر را بازسازی کرد و ارتش خود را برای آمادگی در برابر هر گونه حمله‌ای از طرف پرتغالی‌ها سازماندهی نمود. اما طولانی‌شدن و خستگی ناشی از آن باعث شد تا با آنها بر

سر آزادسازی اسیران مسلمان در ازای تأمین مایحتاجشان مذاکره نماید) شهاب، ۱۹۷۷: ۱۴۷-۱۴۹.

اما سومین حمله پرتغالی‌ها به یمن در جمادی الاول سال ۹۲۶ق/ ۱۵۲۰م و در زمان حکومت ملک احمد بن محمد بن عامر (۹۲۶-۹۲۵ق) اتفاق افتاد که به دلیل اوضاع نامساعد جوی و بادهای موسمی، موفق نبودند (بامخرمه، ۱۴۲۸: ۶ / ۵۹۰-۵۹۱؛ بافقیه، ۱۴۱۹: ۱۴۹). این مسئله موجب تغییر هدف و مقصد حمله شد. بنابراین به سوی جدّه رفتند. پیش از وقوع این حمله حسین کردی مجبور شد از جدّه در مقابل پرتغالی‌ها دفاع کند. در عدن نیز امیر مرجان هنگامی که مسیر حمله را فهمید، تدابیری اتخاذ و خود را برای حمله به پرتغالی‌ها آماده کرد (همانجا). اما هنگامی که عملیات نظامی پرتغالی‌ها در جدّه با موفقیت همراه نشد، آنها در رجب سال ۹۲۶ق/ ۱۵۲۰م در حالی که ضعیف شده بودند به عدن بازگشتند و امیر مرجان نیز با دادن توشه سفر، آنها را از خطر نجات داده و آنها نیز به سمت هند حرکت کردند (همانجا؛ بامخرمه، ۱۴۲۸: ۵۹۱ / ۶).

منابع از حضور پرتغالی‌ها در یمن و شهرها و بنادر آن تا سال ۹۳۶ق/ ۱۵۲۹م. سکوت کرده اند تا اینکه در این سال پرتغالی‌ها دوباره فعالیت‌ها و عملیات‌های نظامی خود را، به فرماندهی اتیوردا سلفیرا^۱ از سر گرفته و در ۱۱ شعبان سال مذکور سواحل یمن را تهدید کردند (بافقیه، ۱۴۱۹: ۱۹۴). آنها از اوضاع به وجود آمده در عدن و همچنین حالت ضعف و ناتوانی ملک عامر بن داود (۹۳۴-۹۴۵ق/ ۱۵۲۷-۱۵۳۸م) آخرین حاکم طاهریان استفاده کردند و آن را فرصتی برای حمله به شهر یافتند (شهاب، ۱۹۷۷: ۱۵۰). سرانجام ملک عامر نیز علی‌رغم مخالفت علما و فقهای شهر، به امضای معاهده صلح با آنان تن داد (بافقیه، ۱۴۱۹: ۱۹۴-۱۹۵). معاهده صلحی که شروط آن به شرح زیر تدوین شد:

۱. تضمین متقابل امنیت کشتی‌های فصلی و موسمی از سوی عدنی‌ها و پرتغالی‌ها
۲. پذیرش حکمفرمایی پرتغالی‌ها بر شهر
۳. گذاردن محافظان نظامی پرتغالی در شهر متشکل از ۴۰ نفر که باید مورد احترام و اکرام اهالی شهر باشند (همانجا؛ ابن شیبان، ۲۰۰۲: ۱۹۵).

اما طولی نکشید که این تفاهم‌نامه یک سال پس از امضای آن در شعبان سال ۹۳۷ق/ ۱۵۳۰م با اعلام تبعیت ملک عامر بن داود طاهری از سلطان سلیمان قانونی لغو شد. و به

فرمان او همه محافظان و نگهبانان پرتغالی را دستگیر و آنها را به زندان شهر انداختند (بافیه، ۱۴۱۹: ۱۹۹؛ Serjeant, 1963: 55). بنابراین، تلاش‌های بسیاری که پرتغالی‌ها برای تصرف یمن و بندر مهم آن انجام دادند سرانجام موفقیتی در پی نداشت. شاید پرتغالی‌ها به همین دلیل و با جمع‌آوری اطلاعات و شناخت بیشتری که از اوضاع سیاسی و طبیعی منطقه و سرزمین‌های اطراف یمن به‌دست آورده بودند اساس سیاست خود را در حمله به مناطقی از جنوب ایران همچون هرمز و سرزمین‌های هند قرار دادند.

۶. دلایل اصلی حمله پرتغالی‌ها به یمن

باید گفت دولت پرتغال به دنبال تصرف سواحل یمن اهداف مهمی را دنبال می‌کرده است. این اهداف نیز با فتح بندر سوق الجیشی عدن و تنگه مهم باب المندب محقق می‌گشت. مهم‌ترین دلایل و اهداف حمله مذکور را می‌توان اینگونه بیان کرد:

موقعیت راهبردی و بازرگانی بندر عدن و تنگه باب‌المندب که به‌عنوان یکی از شاهراه‌های حیاتی اقتصاد دنیا به‌شمار می‌آمد یکی از دلایل اصلی این حمله بود. چرا که با توجه به نقش مهم این بندر و همچنین رفت و آمد زیاد و آسان تاجران کشورهای مختلف، آن را جبل الطارق دریای سرخ و همچنین ثغر یمن یا عین‌الیمین نامیدند (عمشوش، ۲۰۰۳: ۱۸۳). همچنین پرتغالی‌ها برای رسیدن به اهداف مختلف خود، به‌ویژه از میان برداشتن نفوذ سیاسی و بازرگانی تاجران مسلمان و غیرمسلمان و تسلط بر تجارت و راه‌های بازرگانی به این مهم می‌اندیشیدند، چرا که در این دوران بازرگانی دریایی مشرق در دست ممالیک مصر و طاهریان یمن بود و پرتغالی‌ها در صدد بودند این تجارت را در دست بگیرند.

تنوع آب و هوایی در سرزمین یمن به‌نوبه خود باعث تنوع محصولات کشاورزی، تولید فرآورده‌های صنعتی همچون گیاه روناس، گندم، ذرت، ارزن، آلوئه‌ورا و غیره می‌شد. تمامی این عوامل دست در دست هم دادند تا چارچوب اقتصادی گسترده‌ای را تشکیل دهند، لذا هر منطقه از سرزمین یمن به داشتن نوعی از محصولات کشاورزی یا فرآورده‌های صنعتی و حیوانی شناخته می‌شد. بدین ترتیب نظام تبادل و تعامل بازرگانی میان شهرها گسترش یافت، و بازارهای یمنی مملو از انواع مختلف محصولات بودند. چنانکه در شهرهای حَرَض، زَبید، ثُلا، رَداع و جزیره سقطری انواع حبوبات و غلات برداشت و صادر می‌شد (ابن انف، ۱۹۹۵: ۴۳؛ بامخرمه، ۱۴۲۵ق: ۱/ ۱۷۱ و ۵۸؛ نورالمعارف، ۲۰۰۳: ۱/ ۴۸۸؛ قرمانی، ۱۴۱۲: ۳/ ۳۴۷؛ ارتفاع الدولة المؤیدیه، ۲۰۰۸: ۹۸ - ۱۲۶). بنابراین، وجود این ثروت‌های فراوان و منابع و

درآمدهای آن که برای اروپاییان اهمیت فراوانی داشت، یمن در کانون توجه و طمع کشورهای استعمارگر از جمله پرتغال قرار گرفت. همچنین با توجه به اینکه سلاطین و فرمانروایان ممالیک مصر اغلب از موقعیت انحصاری خود در توزیع ادویه‌جات سوء‌استفاده می‌کردند و قیمت‌ها را افزایش داده و یا بازرگانان اروپایی را مورد آزار قرار می‌دادند و در مجموع اروپا از جمله پرتغال به این محصولات شدیداً نیازمند و وابسته بودند آنان را ترغیب می‌کرد تا برای رفع همه این موانع به شرق و از جمله یمن تسلط یابند (کونیا، ۱۳۹۳، ۵۴).

تسلط بر شهر جده، نابودی مسلمانان و اماکن مقدسشان (مکه و مدینه) و تصرف مقابر متبرکه مسلمین جهت اعمال فشار بر آنها از طریق سلطه بر بنادر و سواحل یمن از دیگر دلایل حمله پرتغالی‌ها بوده است؛ چرا که پرتغالی‌ها می‌دانستند برای از بین بردن نفوذ تجاری و اقتصادی مسلمانان در منطقه، باید یمن و بنادر آن همچون عدن را متصرف و مکه ویران و مصر نیز تضعیف شود و حتی آلبوکرک می‌توانست با تسلط بر تنگه سوق الجیشی باب‌المنندب نفوذ اروپاییان رقیب را نیز در منطقه کنترل کند (مشکور، ۱۹۹۳: ۲۱؛ الهی، ۱۳۲۸: ۳۱؛ کامل، ۲۰۱۴: ۳۳۳). همچنین این یورش می‌توانست موجب حفظ و گسترش متصرفات پرتغالی‌ها در سواحل و جزایر هندوستان و ایجاد تجارت خانه‌های مختلف در این سرزمین‌ها شود؛ به طوری که فرانسیسکو دوآلمیدا که نایب‌السلطنه متصرفات پرتغال در هند بود، برای حفظ روابط بازرگانی میان این دو کشور، در صدد ایجاد تجارتخانه‌هایی در هندوستان برآمد. ولی جانشین وی، آلبوکرک علاوه بر ایجاد تجارتخانه، به احداث قلعه محکمی در کنار آن نیز اقدام کرد تا هم بازرگانی پرتغال را نگه دارد و هم قیمومیت پرتغال را به تدریج تحمیل کند (اقبال، ۱۳۲۸: ۵۸).

از دیگر دلایل مهم هجوم پرتغالی‌ها به یمن، برقراری مقدمات برای رسیدن به مهم‌ترین هدف خود برای حمله به شرق یعنی تصرف تنگه هرمز بوده است، چرا که بعد از این فتوحات شرایط برای تصرف هرمز آماده‌تر می‌شد و تنگه هرمز، مرکز بازرگانی شرق به دلایلی چون موقعیت راهبردی و ثروت بی‌کران خود مورد طمع اروپاییان قرار گرفته بود (ابن بطوطه، ۱۴۱۷ق: ۲/ ۱۴۰). و اگر آلبوکرک هرمز را تصرف می‌کرد می‌توانست بر همه خطوط تجاری تسلط یابد. در اهمیت تجاری تنگه هرمز همین بس که خود وی نیز این تنگه را مهم‌ترین مرکز تجاری آسیا می‌دانست (اقتداری، ۱۳۴۵: ۱۱۴).

جزایر مهم یمن از جمله جزیره سقطری نه تنها محل گذر کالاها بود، بلکه افراد، عقاید و ایده‌ها هم از آن عبور می‌کردند؛ بنابراین جزیره مذکور به بخشی از فعالیت‌های اولیه مبلغان مسیحی مربوط شد. گزارشی از یک نویسنده گمنام ایتالیایی در سال ۱۵۰۴م/۹۰۹ق نشان می‌-

دهد پرتغالی‌ها سقطری را به‌عنوان یک جزیره مسیحی می‌شناختند. پادشاه امانوئل اول^۱ (۱۵۲۱-۱۴۹۵ م) که دغدغه اصلی وی، مسدودکردن دریای سرخ و غلبه دوباره بر اورشلیم از شرق با کمک حبشیان بود بلافاصله تصمیم گرفت که جای پای در سقطری به‌دست آورد. او فکر می‌کرد این منطقه نه تنها به‌دلیل موقعیت خاص جغرافیای‌اش، بلکه به سبب کثرت جمعیت محلی آن، پایگاه مناسبی برای مسدودساختن دریای سرخ است، این باور وجود داشت که به‌زودی پرتغالی‌ها به آرزوی خود خواهند رسید. به‌عبارت دیگر، امانوئل، سقطری را به‌عنوان بخش مکمل محور بزرگ شرق - غرب تلقی می‌کرد، جایی که به باور وی به‌طور کامل به دامن مسیحیت بازگردانده خواهد شد (کاوتس، ۱۳۹۲: ۳۶، ۴۳-۴۴). باید گفت، یکی دیگر از دلایل اصلی حمله پرتغالی‌ها تبلیغ بود. چنانکه گروه مذهبی‌ای در پرتغال در سال ۱۴۰۰ م قبل از حمله، راهبی به نام مائورو^۲ را مأمور تهیه نقشه آسیا نموده بودند (کونیا، ۱۳۹۳: ۱۵). بنابراین باید گفت یکی از دلایل مهم پرتغالی‌ها از حمله به یمن، آن بود که قصد داشتند سقطری را به دامن مسیحیت بازگردانند و اینکه آنها معتقد بودند، برای کنترل بر بندر تجاری و سوق‌الجیشی عدن و دریای سرخ کافی است سقطری تصرف شود و می‌توانستند از آن به‌عنوان پایگاه دائمی برای کشتی‌های جنگی خود استفاده کنند.

مایلز یکی از دلایل اصلی حمله پرتغالی‌ها به شرق از جمله یمن را به موضوع فتح استامبول توسط سلطان محمد عثمانی در سال ۸۵۷ ق / ۱۴۵۳ م مرتبط می‌داند و تسلط عثمانی‌ها را بر راه‌های خشکی و دریایی قدیمی که در شرق دریای مدیترانه و شمال شرقی آفریقا قرار داشتند موجب بسته‌شدن این راه‌ها ذکر کرده است (Miles, 1966: 51). همچنین شکست صلیبیون در جبهه‌های شرقی، طی قرن سیزدهم میلادی موجب شد تا جبهه تازه‌ای علیه مسلمانان در اروپا شکل گیرد که همانا مبارزه مسیحیان شبه جزیره ایبری (اندلس) با ساکنان مسلمان آن نواحی است که از آن تحت عنوان نهضت ریکانکوئستی^۳ یاد می‌شود. جنگ‌های ریکانکوئستی در واقع تداوم جنگ‌های صلیبی به‌شمار می‌رفت، با این تفاوت که نوعی جابجایی استراتژیک در جغرافیای این جنگ‌ها پدید آمده بود و روحیه مسلمان‌ستیزی اروپاییان به پادشاهان پرتغالی رسید (وٹوقی، ۱۳۹۰: ۱۷). بنابراین، ادامه جنگ‌های صلیبی در طول دوره‌های مختلف از جمله در دوران ایوبیان را می‌توان از دیگر دلایل این حمله ذکر کرد. چرا که در ابتدای

1. Emanuel I

2. Mauro

1. Reconquista

این حرکت، کلیسا نیز از آنان اعلام حمایت نموده بود، به همین دلیل آلبوکرک می‌خواست برای نابودی حکومت مصر، تصاحب مکه و همچنین آزادسازی بیت المقدس نیروهای مسیحی را زیر علامت صلیب رهبری کند (کریمبرگ، ۱۳۷۰: ۶ / ۸۹). همچنین تضعیف ایران و مصر و جلوگیری از نفوذ سیاسی و تجاری عثمانی‌ها در منطقه و همچنین حاکمیت مطلق و آسان‌تر بر دریای عمان، خلیج فارس و نفوذ بر شهرهای دیگر حوزه خلیج فارس و سواحل یمنی را می‌توان از دیگر دلایل این حمله یاد کرد.

۷. پیامدهای حمله پرتغالی‌ها به یمن

حضور کشور استعمارگر پرتغال در شرق، از جمله یمن و بنادر آن، تأثیرات و پیامدهای مختلفی در پی داشت؛ از جمله اینکه پرتغالی‌ها بعد از ورودشان به اقیانوس هند و شهرها و جزایر آن، روند روابط تجاری میان یمن و هند را از بین برده و آنان را از ایجاد روابط تجاری و اقتصادی محروم کردند. به عنوان نمونه آلبوکرک با هدف اعمال فشار بیشتر بر هند از رسیدن گیاه روناس از یمن به آنجا ممانعت به عمل آورد (سعید، ۲۰۱۴: ۶۱). همچنین باید افزود، تصرف یمن توسط پرتغالی‌ها، امنیت راه‌های دریانوردی و همچنین مسیرهای منتهی به حجاز برای حجاج و تاجران این مناطق را مورد تهدید قرار می‌داد (عبدالعال، ۱۹۸۰: ۴۸۶)، به همین دلیل آنها تنها به کشف راه دریایی به سوی هند و انجام فعالیت‌های اقتصادی نپرداختند، بلکه بر آن شدند تا تجارت شرق را کاملاً به دست گرفته و منابع اصلی آن را از آن خود کنند و مراکز نظامی مختلفی در طول سواحل اقیانوس هند ایجاد کنند (سالم، ۱۹۹۹: ۶۶؛ سلمان، ۱۴۲۰: ۵۱-۵۳؛ اقبال، ۱۳۲۸: ۵۸). آنها برای آغاز تصرف خط دریایی-تجاری و بندرهایی چون عدن و شهر بازرگانی جدّه که در مسیر قرار داشت، بسیار حریص بودند (شنبل، ۲۰۰۳: ۲۱۶). می‌توان گفت نقشه آلبوکرک کاملاً دقیق و صحیح بود، چرا که با تصرف عدن می‌توانست بر باب‌المنذب چیره شده و با این نقشه علاوه بر تخریب و تضعیف مکه و مصر، نفوذ اروپاییان رقیب را نیز در منطقه تحت کنترل خود درآورد (الهی، ۱۳۲۸: ۳۱). این رویداد سبب شد تا امنیت شهرها و سرزمین‌های اسلامی و همچنین راه‌ها و بنادر تجاری زمینی و دریایی از میان برود و از اهمیت دولت‌ها، شهرها و بنادر تجاری آن کاسته و یا نابود شوند. در حالی که در قرون وسطی هریک به نوبه خود شهر و دولتی پررونق به شمار می‌رفتند (عقیل، ۱۳۹۱: ۱۵).

از دیگر پیامدها و نتایج مهم این حمله تضعیف شدن نیروهای نظامی و گسترش هرج و مرج سیاسی در قلمرو حکومت طاهریان یمن بود. این مهم بهانه‌ای برای حمله عثمانی‌ها به طاهریان و در انتها موجب سقوط دولت مذکور در سال ۹۴۵ق گردید (باقیقه، ۱۴۱۹: ۲۳۵).

ایفانوف، ۱۹۸۸: ۱۳۱). چرا که در پی هم‌پیمانی عامر بن داود با پرتغالیان، عثمانیان تصمیم گرفتند برای شکستن انحصار پرتغالی‌ها در تجارت ادویه و علاوه بر این نگرانشان از سقوط یمن به دست پرتغالی‌ها و چه بسا در پی آن سقوط مکه، بر یمن چیره شوند. اما چون به موجب قوانین اسلام، حمله به یک کشور مسلمان توجیه پذیر نبود عثمانی‌ها با طرح ادعای ناتوانی ممالیک مصر، با وجود آن که خلیفه مسلمین به‌عنوان یک مقام مهم دینی و سیاسی در جهان اسلام را در میان خود داشتند در مقابله با کفار مسیحی و همچنین ضعف دولت طاهریان در برطرف کردن ظلم و ستم پرتغالی‌ها از مردم خود و ضعف در مهار تهدیدات پرتغالی‌ها و نیز تمایل آنان در برقراری اتحاد و صلح با حکومت کافر و غربی پرتغال توانستند مشروعیت جنگ با آن کشور مسلمان را کسب کنند. و بدین ترتیب عثمانی‌ها در دنیای اسلام نقش نجات دهنده را پیدا کرد(امامی خوبی، ۱۳۹۵: ۷۴)، و سرانجام نیز توانستند در سال ۹۴۵ ق یمن را فتح کرده و آن را در نظام حکومتی و اداری عثمانی به یک بیگلریگی^۱ تبدیل کنند. عثمانی‌ها در کنار اهداف تجاری، از فعالیت‌های میسیون‌های مذهبی در کانون‌های مقدس مسلمانان از جمله یمن و مکه نیز جلوگیری می‌کردند و از نتایج آن این بود که بنادر عدن و جده که درهای ورودی دریای سرخ به دریای مدیترانه بودند دوباره به فعالیت پرداخته و به روزهای درخشان خود برگشتند(همان: ۸۳).

از دیگر پیامدهای حضور پرتغالی‌ها در سواحل یمن، آن بود که سواحل مذکور و دیگر آبهای مناطق اطراف، به میدان کشمکش و رقابت کشورهای استعمارگر تبدیل شد؛ چنانکه بعد از آشنایی پرتغالی‌ها با این مناطق و دستیابی به سود اقتصادی بالا، کشورهای استعماری دیگری همچون اسپانیا، هلند و انگلیس نیز در گذر زمان وارد میدان شرق و سواحل یمن، هند و ایران شدند. به بیانی دیگر، تسلط پرتغالی‌ها بر راه‌ها و آبراه‌های تجاری مهم شرق و در اختیارگرفتن مراکز مهم بازرگانی یمن از جمله عدن، جزایر سقطری و کمران سبب شد تا اروپاییان استعماری دیگری به سمت شرق یعنی یمن، هند و ایران لشکرکشی کنند(تاپار، ۱۳۸۶: ۸۲-۸۳). بنابراین می‌توان گفت، حمله پرتغالی‌ها موجب گسیختگی نظام بازرگانی میان آسیای جنوبی با خاور میانه و خاور نزدیک و همچنین آغاز رقابت و درگیری میان نیروهای اروپایی مانند هلند و انگلیس برای سیطره و دستیابی بر راه‌های تجاری شرق گردید، و در نتیجه آن ضربه‌های سنگینی بر بازرگانی مسلمانان وارد آمد. در واقع، پرتغالی‌ها فعالیت‌های تجاری خود را با تکیه بر

۱. واژه و اصطلاحی ترکی است به معنی امیرالامرا(ر.ک: موسوی، ۱۳۸۲: ۱۳/۴۴۹-۴۴۷).

دستگاه‌های دولتی سامان می‌دادند و بیشتر بازرگانان پرتغالی از افسران نظامی و یا نزدیکان امپراتور بودند. در حالی که دو دولت هلند و انگلیس، به واسطه کمپانی‌های تجاری که با سرمایه‌های خصوصی اداره می‌شدند و یا اینکه تنها با سازمان‌های دولتی شریک بودند، به دریاهای شرقی گام نهادند (عقیل، ۱۳۹۱: ۱۱۳). از این رو، انحصار تجارت کالاهای بازارهای شرقی و یمن توسط پرتغالی‌ها و فروش و صادرات آن به کشورهای اروپایی همانند انگلیس و هلند سود سرشاری را نصیب آنان می‌کرد. در آن شرایط لیسبون محل ورود بیشترین کالاهای شرقی و یمنی بود و هلندی‌ها به نوبه خود این کالاها را از لیسبون خریداری کرده و در تمام اروپا توزیع می‌کردند. از آنجا که در آن روزگار اروپاییان از ادویه برای نگهداری گوشت‌های خشک شده استفاده می‌کردند مجبور بودند از این راه هزینه گزافی را به پرتغالی‌ها پرداخت کنند (همان: ۱۱۵). بنابراین آنچه هلندی‌ها و دیگر کشورهای اروپایی را بیش از پیش تحت فشار قرار می‌داد، افزایش قیمت کالاهای شرقی و اخذ مالیات بسیار از سوی پرتغالی‌ها بود. بر همین اساس حضور پرتغالی‌ها و تسلط بلامعارض آنها بر مناطق پراهمیت شرق به مانند یمن طمع و انگیزه حضور دیگر کشورهای اروپایی را برای ورود به مشرق زمین برانگیخت.

نتیجه

در بررسی زوایای تاریخی مراحل حمله پرتغالی‌ها به یمن به این نتیجه می‌رسیم که در قرن نهم و دهم هجری، به علت اهمیت و نقش سرزمین یمن در فعالیت‌های اقتصادی و تجاری و همچنین با توجه به پیشینه مناسب حاکمان وقت آن از جمله طاهریان در زمینه تجارت، شاهد رونق و شکوفایی آن در این دوران می‌باشیم که می‌توان گفت با توجه به موقعیت مهم یمن و بنادر و شهرهای آن در تحولات اقتصادی، سیاسی، نظامی و فرهنگی، مورد طمع کشورها و دولت‌های استعمارگر غرب از جمله پرتغال و همچنین عثمانی‌ها و ممالیک مصر قرار گرفت. بنابراین در ارزیابی کلی به نظر می‌رسد دلایل و پیامدهای حمله و ورود پرتغالی‌ها به یمن و تصرف بنادر و شهرهای آن تلفیقی از انگیزه‌های اقتصادی-دینی بوده است. در مرحله نخست حملات پرتغالی‌ها مشخص می‌شود که آنان با مشارکت و همکاری نهاد کلیسا و برای ترویج مسیحیت، اما با هدف تسلط و سیطره بر تجارت و راه‌های تجاری-دریایی و تصاحب آن از دست مسلمانان وارد این مرحله مهم شده‌اند؛ بنابراین یک نوع جنگ صلیبی دیگر در راه بود و پرتغالی‌ها در این مرحله می‌خواستند با این فعالیت‌ها، درخواست مسیحیان و کلیسا را اجابت کنند. در مرحله دوم که بحث اقتصادی پررنگ‌تر است، رسیدن پرتغال به عنوان نخستین کشور استعمارگر، به راه‌های تجاری و دریایی جدید و حتی در اختیارگرفتن راه‌های بازرگانی مسلمانان شرایط را برای وقوع هرج و مرج داخلی و ایجاد شرایط بحرانی در اقتصاد و تجارت و همچنین وقوع قحطی و گرانی مواد غذایی را در یمن فراهم آورد. این رویداد از یک سوی پای عثمانی‌ها را به یمن گشود و به بهانه ناتوانی سیاسی طاهریان در مقابله با حملات پرتغالی‌ها و صیانت از سرزمین‌های مقدس اسلامی حکومت یمن را سرنگون ساختند، و از سوی دیگر راه برای ورود سایر رقبای اروپایی به یمن و مناطق مجاور آن بازکرد و تاریخ شاهد شکل‌گیری فصل تازه‌ای در آغاز رقابت‌های استعماری در شرق شد.

منابع

۱. ابن المفضل، محمد بن ابراهیم بن شرف‌الدین (د ۱۰۸۵ هـ). السلوك الذهبیه فی خلاصه السیره المتوکلیه، المخطوط، مکتبه جامعه تورنتو.
۲. ابن انف، عماد‌الدین ادریس (۱۹۹۵). روضه الاخبار و نزهه الامصار فی حوادث الیمن الکبار و الحصون و الامصار، تحقیق محمد بن علی اکوع الحوالی حمیری، صنعاء، دارالمعرفه للطباعه و النشر.
۳. ابن ایاس، محمد بن احمد (۱۹۶۰). بدائع الزهور فی وقایع الدهور، تحقیق محمد مصطفی، قاهره، لجنه التألیف والترجمه و النشر.
۴. ابن بطوطه، محمد بن عبدالله (۱۴۱۷ ق). رحله ابن بطوطه (تحفه النظار فی غرائب الامصار و عجائب الاسفار)، ریاض، اکادیمیه المملکه المغربیه.
۵. ابن تغری بردی الاتابکی، یوسف (بی تا). النجوم الزاهره فی ملوک مصر و القاهره، قاهره.
۶. ابن دبیح شیبانی، عبدالرحمن بن علی (۱۹۸۳). الفضل المزید علی بُغیة المستفید فی اخبار مدینه زبید، تحقیق یوسف شلحد، صنعاء، مرکز الدراسات والبحوث الیمنی، بیروت، دارالعوده.
۷. _____ (۱۹۸۸/۱۴۰۹ ق). قره العیون باخبار الیمن الیمون، تحقیق محمد بن علی الاکوع الحوالی، صنعاء، مکتبه ابوذر غفاری.
۸. ابن شیبان، احمد سالم (۲۰۰۲). الوجود المملوکی فی الیمن (۹۲۱-۹۴۵ هـ). الشارقه، جامعه عدن، دارالثقافه العربیه.
۹. ابن لطف الله، عیسی بن شرف‌الدین (۲۰۰۳). روح الروح فیما جرى بعد المائه التاسعه من الفتن والفتوح، المحقق الإبراهیم بن احمد المقحفي، یمن، مرکز عبادی.
۱۰. ابن ماجد، احمد، الفوائد فی معرفه علم البحر والقواعد، المخطوط، العدد ۱۶۹۶، ۰۰۸۴۰، مکتبه الکنجریس.
۱۱. ابن مجاور، یوسف بن یعقوب (۱۹۹۶). تاریخ المستبصر، صفه بلاد الیمن و مکه و بعض الحجاز، تحقیق ممدوح حسن محمد، قاهره، مکتبه الثقافه الدینییه.
۱۲. اسدی، بیژن (۱۳۸۱). خلیج فارس و مسائل آن، تهران، سمت.
۱۳. اقبال، عباس (۱۳۲۸). مطالعاتی در باب بحرین، جزایر و سواحل خلیج فارس، تهران، نشر مجلس.
۱۴. اقتداری، احمد (۱۳۴۵). خلیج فارس، تهران، نشر ابن سینا.

۱۵. امامی خوبی، محمدتقی (۱۳۹۵). تاریخ امپراتوری عثمانی، تهران، سمت.
۱۶. الهی، همایون (۱۳۲۸). خلیج فارس و مسائل آن، تهران، نشر اندیشه.
۱۷. آلبوکرکه، آفونسو د (۲۰۰۰). السجل الكامل لاعمال أفونسو دلبوکیک ثانی نائب للملك البرتغالی فی الهند، ألفه و جمع و تائقه من أرشیف لشیونته والمصادر الارشیفیه الملکیه ابنه غیرالشرعی؛ ترجمه عن البرتغالیه والتردی جرای بیرش؛ ترجمه الی العربیه و قدم له عبدالرحمن عبدالله الشیخ، ابوظبی، المجمع الثقافی.
۱۸. ایفانوف، نیکولای (۱۹۸۸). الفتح العثماني للاقطار العربیه ۱۵۱۶-۱۵۷۴، ترجمه یوسف عطاءالله، بیروت، دارالفارابی.
۱۹. بابایی، غلامرضا (۱۳۵۷). تاریخ سیاست خارجی ایران از شاهنشاهی هخامنشی تا به امروز، تهران، درسا.
۲۰. بارتو، فیلیپ (۱۳۶۹). «طلیعه عصری جدید»، پیام یونسکو، سال بیستم، ش ۲۲۲.
۲۱. بافقیه، محمد بن عمر الطیب (۱۴۱۹). تاریخ الشحر و اخبار القرن العاشر، تحقیق عبدالله الحبشی، صنعاء، مکتبه الارشاد.
۲۲. بامخرّمه، ابومحمد عبدالله الطیب (۱۴۲۸/۲۰۰۸). قلاده النحر فی وفيات اعیان الدهر، عنی به بوجمه مکری و خالد زواری، جدّه، دارالمنهاج.
۲۳. _____ (۱۴۲۵). النسبه الی المواضع والبلدان. ابوظبی، مرکز الوثائق و البحوث.
۲۴. تاپار، رومیلا (۱۳۸۶). تاریخ هند، ترجمه همایون صنعتی زاده، قم، نشر ادیان.
۲۵. حسن سعید، حسین ابراهیم (۱۹۸۹). الصراع حول السیطره علی البحر الاحمر، العلاقات الیمنیه المصریه فی عصر سلاطین الممالیک، ندوه العلمی الیمن عبر التاريخ، عدن، دار جامعه عدن.
۲۶. حجری یمانی، محمدبن احمد (۱۴۱۶). مجموع البلدان الیمن و قبائلها، تحقیق اسماعیل اکوع، صنعاء، دار الحکمه الیمنیه.
۲۷. حموی بغدادی، یاقوت (۱۹۹۵). معجم البلدان، ج ۳، بیروت، دارصادر.
۲۸. الرفاعی، محمد انور (۱۳۹۳). تشکیلات اسلامی، ترجمه دکتر سید جمال موسوی، مشهد، به نشر.
۲۹. رمضان. صالح (۱۹۸۵). «الغزو البرتغالی للیمن و دور الشعب الیمنی فی مواجهته»، مجله کلیه التریبه، السنه الاولی، العدد ۱.

٣٠. سالم، سيد مصطفى (١٩٩٩). الفتح العثماني الاول لليمن ١٥٣٨-١٦٣٥م، قاهره، دار الامين.
٣١. سعيد، محمد (٢٠١٤). الفوه في اليمن في العهد الرسولي، بحث ضمن الندوه العلميه الخامسه بعنوان الموارد الطبيعيه ببلاد المغرب في العصرين القديم والوسيط: الاستغلال والتصريف، جامعه تونس.
٣٢. سلمان، محمد حميد (٢٠٠٠/١٤٢٠). الغزو البرتغالي للجنوب العربي و الخليج فى فتره ما بين ١٥٠٧-١٥٢٥، الامارات المتحده العربى، مركز زايد للتراث و التاريخ.
٣٣. سيوطى، عبدالرحمان بن ابى بكر (١٩٩٢). تاريخ الخلفاء، تحقيق رحاب خضر عكاوى، بيروت، مؤسسه عزالدين.
٣٤. شلى، محمد (٢٠٠٤/١٤٢٥). النساء الباهر بتكميل النور السافر فى اخبار القرن العاشر، تحقيق ابراهيم بن احمد المقحفى، الجمهوريه اليمنيه، مكتبه الارشاد.
٣٥. شنبلى، احمد بن عبدالله (٢٠٠٣/١٤٢٣). تاريخ حضرموت المعروف بتاريخ شنبلى، تحقيق عبدالله محمد الحبشى، يمن، مكتبه صنعاء الاثريه.
٣٦. شهاب، حسن صالح (١٤١٢). «عدن بين مدافع البرتغاليين وممالك مصر»، مجله تراث، مركز الدراسات والبحوث اليمنى، العدد ٤، عدن، رجب و رمضان.
٣٧. _____ (١٩٧٧). اضواء على تاريخ اليمن البحرى، بيروت، دارالفارابى، عدن، لجنه الكتاب اليمنى.
٣٨. شهبازى، عبدالله (١٣٧٧). زرسالاران يهودى و پارسى: استعمار بریتانیا و ایران، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سياسى.
٣٩. عقيل، مصطفى (١٣٩١). رقابت بين المللى در خليج فارس (١٦٢٢-١٧٦٣)، ترجمه ياسر قزوينى حائرى، تهران، اميركبير.
٤٠. عمشوش، مسعود (٢٠٠٣). عدن في كتابات الرحاله الفرنسيين، عدن، دار جامعه عدن للطباعه والنشر.
٤١. عيدروس، عبدالقادر بن شيخ بن عبدالله (٢٠٠١). النورالسافر عن اخبارالقرن العاشر، تحقيق احمد حالو، محمود الارناووط و اكرم البوشى، بيروت، دار صادر.
٤٢. فارتيمما، لودفيكو (١٩٩٤). رحلات فارتيمما، ترجمه و تحقيق عبدالرحمن الشيخ، قاهره، الهيئه المصريه للكتاب.
٤٣. فيصلى، محمد احمد مقبل (٢٠٠٥). تاريخ الدوله الطاهريه (١٥٨-٩٤٥هـ)، صنعاء،

- الهیئه العامه للكتاب.
۴۴. قرمانی، احمد بن یوسف (۱۴۱۲ق). اخبار الدول و آثار الاول فی التاریخ، دراسه و تحقیق فهمی سعد، احمد حطیط، بیروت: عالم‌الکتب.
۴۵. کامل، محمد احمد (۱۴۳۵/۲۰۱۴). موجز تاریخ الیمن فی العصر الاسلامی، صنعاء، مکتبه الجیل جدید.
۴۶. کاوتس، رالف (۱۳۹۲). چشم اندازهایی از جاده ابریشم دریایی: از خلیج فارس تا دریای شرقی چین، مترجمان محمدباقر وثوقی و پریسا صیادی، تهران، پژوهشکده تاریخ اسلام.
۴۷. کریمبرگ، کارل (۱۳۷۰). تاریخ بزرگ جهان، ترجمه و برگردان عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران، نشر یزدان.
۴۸. کونیا، ژوئائو مانوئل تلش (۱۳۹۳). نگاهی به امپراتوری باشکوه پارس: روابط ایران و پرتغال در عصر جدید، ترجمه میترا شهابی، تهران، اداره نشر وزارت امور خارجه.
۴۹. مازنی، ابراهیم عبد القادر (۲۰۰۸). رحله الشام، قاهره، الهیئه المصریه العامه للكتاب.
۵۰. محمد عبدالعال (۱۹۸۰). بنورسول و بنوطاهر و علاقات الیمن الخارجیه فی عهدهما، اسکندریه، الهیئه المصریه العامه للكتاب.
۵۱. مجهول المؤلف (۱۴۲۹/۲۰۰۸). ارتفاع الدوله الموبدیه، تحقیق محمد عبد الرحیم جازم، صنعاء، المعهد الفرنسی لللاثار والعلوم الاجتماعیه و المعهد الالمانی.
۵۲. _____ (۲۰۰۳). نورالمعارف فی نظم و قوانین و أعراف الیمن فی العهد المظفری الوارف، ج ۱، تحقیق محمد عبد الرحیم جازم، صنعاء المعهد الفرنسی لللاثار و العلوم الاجتماعیه.
۵۳. مشکور، سالم (۱۹۹۳). نزاعات الحدود فی الخلیج، بیروت، مرکز الدراسات الاستراتیجیه و البحوث و التوثیق.
۵۴. موسوی قمی، سید علی (۱۳۶۶). خلیج فارس در گذر زمان، بی جا، بنیاد نبوت.
۵۵. موسوی، مصطفی (۱۳۸۳). «بیگلریگی»، دایره المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۳، تهران، مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی.
۵۶. موسی، محمد علی (۲۰۰۶/۱۴۲۷). «الهجوم البرتغالی علی عدن: قراءه من خلال مذكرات الفونسو دا البوکوک»، مجله الیمن، العدد ۲۳.
۵۷. نهروالی، قطب الدین محمد بن احمد (۱۹۶۷). البرق الیمانی فی فتح العثمانی، ریاض، منشورات دارالیمامه للبحث و الترجمه و النشر.
۵۸. وثوقی، محمدباقر (۱۳۹۰). پرتغالی‌ها در خلیج فارس، تهران، مرکز اسناد و تاریخ

دیپلماسی.

۵۹. ویلسن، سر آرنولد (۱۳۶۶). خلیج فارس، ترجمه محمد سعیدی، تهران، انتشارات علمی و

فرهنگی.

60. Johnston, H. (1963). *History of the Colonization of Africa*, London, Cambridge.
61. Boxer, C.R. (1969). *The Portuguses Seaborn Empire*, London.
62. Miles, S.B. (1966). *Countries and Tribes of the Persian Gulf*, London.
- Axelsson, Eric (1961), "Prince Henry the Navigator and 63. the discovery of the sea route to India", *The Geographical Journal*, Vol 127, No.2.
- Serjeant, R. B. (1963). *The Portuguese of the South 64. Arabian Coast*, Oxford at the Clasendem Press.
- Uzunçarşılı, İsmail Hakkı (1983). *Osmanlı Tarihi*, 65. Ankara, RK Tarih Kurumu Basımevei.